



مذهبت و عتتها

معرفی مقدماتی مذاهب و فرقه های جهان

جلد دوم

فهرست

۱	مقدمه
۳	امر معنوی در عصر حاضر
۷	اعتقادنامه شورای نیکیه
۹	مسیحیت چیست؟
۱۱	فراماسونری
۱۳	تسییح گرایی
۱۵	انجمن ماموریت جهانی
۱۹	شینتوئیسم
۲۱	کنفوسیائیسم
۲۳	تائوئیسم
۲۷	تنوسوفی
۲۹	آنتروپوسوفی
۳۱	برانهامیسم
۳۵	کلیسای شیطان
۳۷	وودوو
۳۹	اکنکار
۴۱	سانتیریا
۴۵-۴۶	۹ گناه - ۹ قانون

چرا باید بعنوان یک مسیحی در مورد ادیان بدانیم؟

عهد جدید به ما دو نمونه موثر ارائه می کند :

اولاً : در اعمال رسولان فصل هفدهم پولس رسول، پای پیروان مذاهب هم روزگار خود را به حیطة بحث و مباحثه می کشاند. او با آشنایی کافی از سیستم های اعتقادی آنها و نقل قول از منابع و چهره های شناخته شده شان، تلاش می کرد در جهت کمک به آنها در فهم بهتر پیغام انجیل پلی بسازد (اعمال رسولان ۱۷:۲۴-۲۸)

دوماً : پولس، پطرس، یوحنا و یهودا در رسالات خویش به مقابله با اناجیل جعلی روزگار خویش می پرداختند. در جهت هشدار به مسیحیان و آگاه ساختن ایشان از تعالیم تقلبی رسولان و انبیاء دروغین آن زمان، لاجرم می بایست که از ادعای این معلمین فریبکار، اطلاع جامع داشته باشند.

در جهان امروز مسیحیان با بدعت ها و گروه های مذهبی بیشتری نسبت به گذشته روبرو هستند. همانگونه که در مسیرآگاهی و آشنایی بیشتر با این گروه ها قدم برمی داریم، یقین می دانیم که الگو و روش هایی که رسولان راستین و دیگر نویسندگان کلام خدا برای ما به یادگار گذاشته اند، بهترین نمونه برای روشنگری و پیروزی در این راه است. در این مجموعه با سری دوم از بدعت ها و گروه هایی آشنا می شوید که برخی از آنها نسبت به مجموعه اول نوپا و معاصرترند. با اینهمه، در مواجهه با مردم ساده دل و قشر کم اطلاع و همچنین طبقه باسواد و صاحب مدارج بالای آکادمیک که داعیه روشنفکری و منطق دارند، این مذاهب در تعداد قربانیانی که می گیرند یکسان عمل می کنند. همانند گذشته در صفحات پیش رو تلاش شده ابزاری هر چند مقدماتی در مقایسه این بدعت ها، گروه ها و گروهک ها با کلام حقیقت پیش روی شما بگذاریم. در سلطه بی رحم تاریکی ها حتی یک شعله کوچک هم می تواند چنین امپراطوری عظیمی را فروپاشد.



امر معنوی در عصر حاضر

از اواخر سال ۱۹۶۰ تا اواخر ۱۹۸۰ جنبش نیوایج خودش را به تمام جوامع غربی رساند. نیوایج موفق شد که باورهای کثیر عرفانی و عادت های نهان پژوهی متداول در مشرق زمین را به نوع دیگری بسته بندی کرده و در غرب به شهرت برساند. با این نوید که در بخش خودآگاهی و روشن ضمیری، انسان، انقلابی به پا خواهد کرد. میلیون ها مشتری امور روحانی از هر نوع آن، امروز درگیر خواسته های مشابه ای از قبیل شفا، توانمند و قدرتمند شدن، موفقیت و آرامش هستند که متاسفانه از مرزهای عجیبی در حال گذرند و به مناطق خطرناک ورود می کنند .

فروشگاه روحانی

جامعه شناس معروف کارمن کوهلینگ شرح می دهد که معنویت در نیوایج در واقع یک امر متنوع و ترکیبی دست چین شده از عرفان مشرق زمین ، خوددرمانی ، پاگاتیسم(ایمان به خدایان غیر) و دیگر فلسفه هاست. به گفته مردم شناس سرشناس، سوزان لائو براون ، چهار مورد از موارد اصلی نیوایج، تجربه منبع دانش ، مناسک ، خود درمانی (چه جسمی و چه روحانی) و هارمونی در بدن، ذهن و روح هستند .

نویسندگان معروف نیوایج مثل دیپاک چوپرا، اکهارت تول و رواندا بایرن (کتاب راز) از منابع و مذاهب شرقی مثل بودیسم و هندوئیسم استخراج و استعمال بسیار می کنند. در عین حال تفکرات جدیدی با تفسیرهای اشتباه از کتاب مقدس با رنگ و لعاب بهتری به خورد مخاطبین خود می دهند. برخی از ادعاهای پر اشتباه و مشکل ساز آنها عبارتند از :

+ هر انسان الهی و الوهی است (وحدت گرایی ، همه خدا گرایی – خدا در همه است)

+ عیسی تنها راه نیست. راه های بسیاری برای رسیدن به حقیقت خدا وجود دارد .

+ آنچه من می خواهم تعیین کنندهٔ آنچه در زندگی ام رخ می دهد است. (قانون جاذبه)

+ کتاب مقدس (کلام خدا) آخرین و معتبر ترین مرجع ما نیست .

تماس با جهان ارواح و احضار روح

در سال ۱۸۴۸ خواهرانی بنام کیت و مارگاتا فاکس اهل ایالت نیویورک، ایده ی کهن احضار روح را به شهرت رساندند. مدیوم ها با ادعای اینکه از ارواح پیغام می گیرند، جلسات احضار ارواح را برگزار می کنند. مدعیانِ ارتباط با ارواح، اغلب تخته ویجا ، گوی های کریستال و دیگر وسایل جادوگری را بکار می گیرند. امروزه احضار کنندگان حتی ادعا می کنند دهان ارواح می شوند و بجای ایشان سخن می گویند .

واژگان مربوط به حوزه جادوگری

ایده ها، عبارات و روش های متداول در حوزه ارواح

وضعیت تعلیق

وضعیتی در ذهن است که قوه سنجشِ ذهن به حالت معلق در می آید که با شیوه های مشخصی از مدیتیشن، تنظیم تنفس ، حرکت های بدنی پی در پی و استفاده از دارو می توان بدان دست یافت . چیزی مشابه وضعیت ترائس و یا وضعیت هیپنوتیزم سبک .

آئورا

هاله نورانی یا میدان انرژی است که اطراف تمام موجودات زنده و اشیا را احاطه کرده است. این میدان انرژی از رنگ های مختلف تشکیل شده که نشان دهنده وضعیت جسمانی ، روانی و روحانی شخص است .

طالع بینی

شکلی از جادوگری است که موقعیت خورشید و ماه و سیاره ها را به عنوان تعبیری مفهوم دار از زندگی شخص ، حوادث و یا هر چیز دیگری که تاریخ آغازی دارد ارائه می کند .

احضار روح

حلول مرده در شخص زنده، روشی است که در آن شخص مرده از طریق مدیوم و واسطه با دیگران سخن می گوید .

چی

برگرفته از تائوئیسم است که معتقدند شکل جهانی انرژی زندگی است که با کنترل آن می شود به شفا و برتری های معنوی رسید. در اکیوپانکچر یا طب سوزنی و ورزش های رزمی از این مفهوم استفاده می شود .

روح پلید

فرشته سقوط کرده ای است که در خدمت شیطان است . می تواند خود را در نقش کسانی که از دنیا رفته اند و هر موجودی که روح دارد جا بزند .

غیب گویی

غیب گویی ادعای ارتباط با عوالم پنهانی است که در آن شخص غیب گو مدعی است که می تواند از طریق ماورالطبیعه اطلاعاتی درباره گذشته، حال و آینده کسب کند. از این جمله میتوان به فال های ورق ، طالع بینی ، فال آب، فال قهوه، آیینه دیدن و غیره اشاره کرد .

ناستیسیزم

از عبارت یونانی نیسکو به معنی“ دانش دارم ” گرفته شده است. یک فرقه ای بودند که در اواخر قرن اول و دوم میلادی به موازات مسیحیت اولیه شروع به کار کردند که مدعی بودند به دانش الهی دست یافته اند که همه به آن دسترسی ندارند .

قانون جذب

باوری است که می گوید افکار خاصیت مغناطیسی دارند و دارای فرکانس هستند و با تمرکز و توجه فکری بر یک موضوع برای مدت طولانی هر شخص می تواند به خواسته ها و آرزوهایش نائل شود. این قانون در هر دو مورد مثبت و منفی صادق است. یعنی می شود موفقیت و کامیابی و یا بدشانسی را جذب کرد .

سحر و جادوگری

تغییر واقعیت زندگی به نفع یک شخص با استفاده از نیروهای اسرارآمیز ماورالطبیعه . این را نباید با شعبده بازی که برای سرگرمی مخاطبان در برخی از برنامه های تلویزیونی برگزار می شود اشتباه گرفت .

مدیوم

یک جادوگر که تلاش می کند با روح مردگان و یا دیگر ارواح ارتباط برقرار کند .

آگاهی ذهن

یک وضعیت از ذهن است که در آن آگاهی ، تمرکز فعال بر زمان حال ، احساسات شخصی، احساسات بدن و محیط اطراف برای دست یابی به احساس آرامش نقش اساسی بازی می کند. گفته می شود این وضعیت از ذهن با مدیتیشن و دیگر تمرینات و تعلیمات هم میسر می شود .

آینده بینی

شکلی از غیب گویی است که در آن از طریق روشهای جادوگری و ”جادوی سیاه“ با دنیای مردگان در جهت کسب اطلاعات راجع به آینده تماس گرفته می شود .

نهان پژوهی

تمرینات و روش هایی است که برای پرده برداری از مفاهیم از دنیاهای ناشناخته، بکارگرفتن قدرت های ماورالطبیعی و تماس با ارواح استفاده می شود .

تخته ویجا

تخته ای صاف و مستطیل شکل است که برای احضار ارواح از آن استفاده می شود. بر روی آن کلماتی مثل نه ، بله، سلام ، خداحافظ و اعداد از صفر تا نه نوشته شده اند . گاهی بعنوان اسباب بازی کودکان در فروشگاه ها به فروش می رسند. زیرا این می تواند دری به سوی دنیای ارواح و جادوگری باشد .

جلسه احضار روح

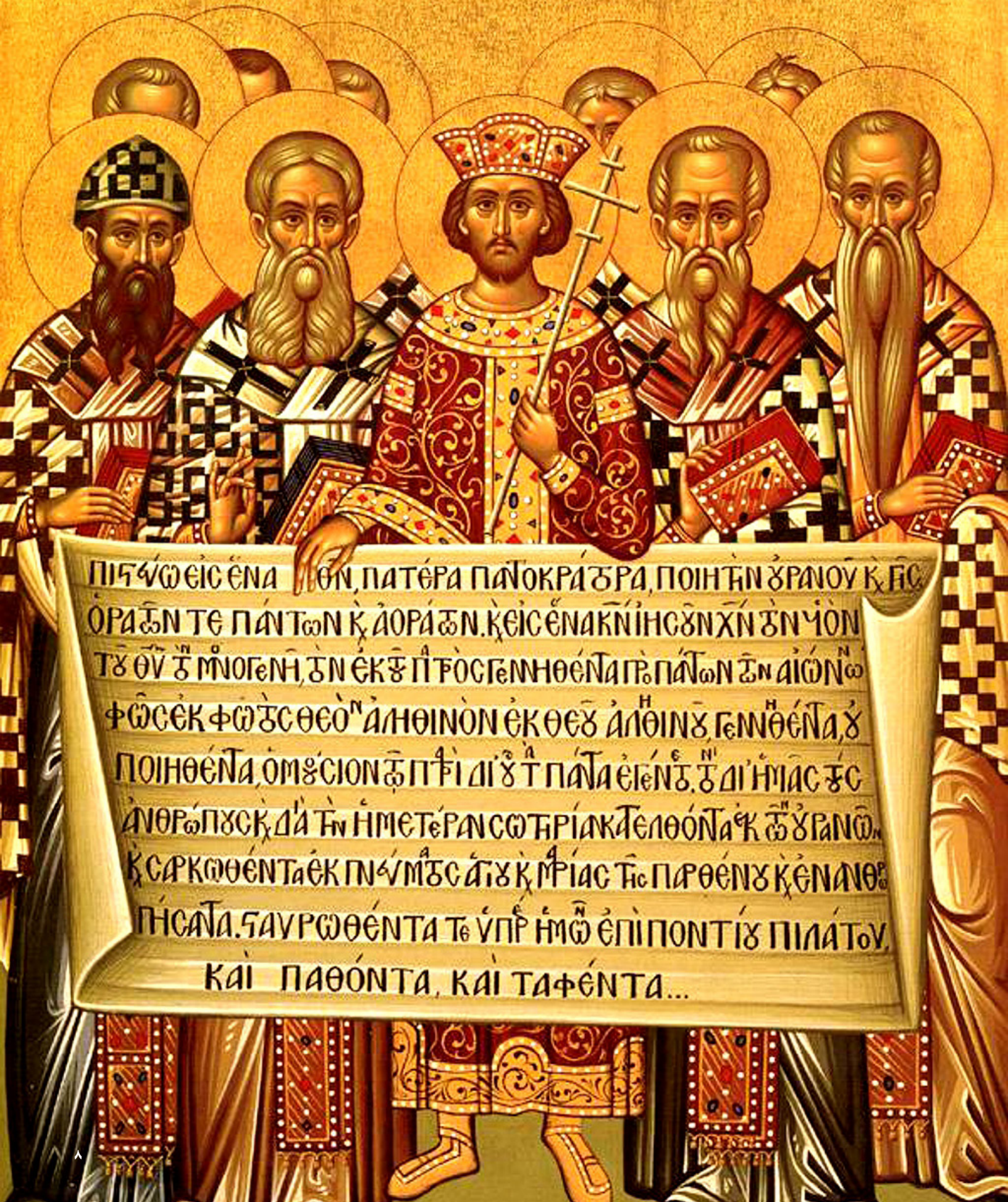
مجالسی است که در آن افراد شرکت کننده به دنبال دریافت پیامی از سوی مردگان هستند که این کار از طریق مدیوم (واسطه) صورت می گیرد .

شمانیسم

شمن باوری روشی برای تماس با ارواح است که می توان بیماری و رنج افراد را تشخیص داد و درمان کرد و یا در افراد ایجاد بیماری و رنج نمود .

روح راهنما

یک موجود غیرفیزیکی یا ماورالطبیعی است که بعنوان راهنما ، همراه و دلسوز افراد نقش بازی می کند . این راهنما در واقع روح پلیدی است که خود را در نقش های بظاهر خوب جا می زند .



اعتقادنامه شورای نيقیه

ما ایمان داریم به یک خدا، پدر قادر مطلق
آفریننده آسمان و زمین و همه چیزهای دیدنی و نادیدنی پیدا و ناپیدا

و ایمان داریم به یک خداوند، عیسای مسیح
پسر یگانه خدا، مولود ازلی از پدر
نور از نور، خدای حقیقی از خدای حقیقی
مولود و نه مخلوق، که او را با پدر یک ذات است
همه چیز به واسطه او آفریده شد؛

او به خاطر ما آدمیان و برای نجات ما از آسمان نزول کرد
و به واسطه روح القدس از مریم باکره، جسم گرفت و انسان شد
رنج کشیده و مدفون گشت، و روز سوم بر حسب کتب مقدس از مردگان برخاست؛
و به آسمانها صعود کرد و به دست راست پدر نشسته است
و بار دیگر با جلال می آید تا زندگان و مردگان را داوری کند
و سلطنت او را پایانی نخواهد بود

و ایمان داریم به روح القدس، خداوند و بخشنده حیات
که از پدر (و از پسر) صادر می گردد
و با پدر و با پسر پرستیده می شود و جلال می یابد
و به واسطه انبیا سخن گفته است

و ایمان داریم به یک کلیسای جامع و مقدس که کلیسای رسولان است
و به یک تعمیم برای آمرزش گناهان اذعان داریم
و رستخیز مردگان و حیات عالم آینده را انتظار می کشیم

آمین

مسیحیت چیست؟

شکل‌گیری

در یهودای فلسطین در قرن اول میلادی (۳۰–۳۳ پس از میلاد در اسرائیل امروزی) عیسی مسیح با قیام خویش از مردگان زیربنای مسیحیت را پی‌ریزی کرد. اسرائیل در قرن اول میلاد تحت سلطه دولت و امپراطوری روم بود. پیروان مسیح، تحت عنوان مسیحی شناخته می‌شوند .

کتاب

کتاب مقدس که به دو بخش عهد عتیق و عهد جدید تقسیم می‌شود و شامل ۶۶ کتاب است. عهد عتیق از ۳۹ کتاب و عهد جدید از ۲۷ کتاب تشکیل شده‌است. هر بخش از تورات عهد عتیق را یک سیفر و برخی دیگر از کتب عهد عتیق را صحیفه می‌نامند. عهد جدید نیز از چهار انجیل کانن، رسالات حواریون مسیح و کتاب مکاشفه تشکیل شده است. عهد عتیق به زبان عبری و آرامی و عهد جدید به زبان یونانی نوشته شده است .

خدا

مسیحیان به تثلیث اعتقاد دارند. تثلیث باور به یک خدا در سه شخص است (سه خدا نیست). پدر، پسر ، روح القدس. آنکه در مسیحیت به صورت کلی، گاهی از او بعنوان ”خدا“ یاد می‌شود شخص اول تثلیث، خدای پدر است. خدا یک وجود روحانی است که دارای بدن جسمانی نیست. او در امورات جهان و زندگی انسان مداخله می‌کند و طالب رابطه است. او جهان را از هیچ پدید آورده، ازلی و ابدی، تغییرناپذیر، قدوس، عاشق و کامل است .

عیسی

عیسی شخص دوم تثلیث و خداوند است. به عنوان پسرخدا، او از ازل بوده و خلق نشده است. او خدای کامل و انسان کامل است. (این دو به یکدیگر متصل اند و با هم مخلوط نشده اند). او بعنوان شخص دوم تثلیث، با خدای پدر و روح القدس برابر و یکسان است. در زمان تجسم انسانی، از طریق روح القدس در رحم مریم باکره پا به این جهان گذاشته است. عیسی تنها راه به سوی نجات و زندگی ابدی و خدای پدر است. او برحسب نقشه ازلی و الهی بر صلیب بخاطر گناهان بشر جان داد. قربانی شدن او بر صلیب جلجتا به منزله قربانی و پرداخت کامل جریمه گناهان است. در روز سوم از مردگان قیام کرده است. تا ۴۰ روز بعد از قیام خود توسط بیش از ۵۰۰ شاهد عینی دیده شده و بر آنها ظاهر گشته است. برخی از شاهدان عینی زخم ها و سوراخ ها و بدن او را لمس کرده اند و مسیح با ایشان همسفره شده است. او با بدن جلال یافته به آسمان صعود کرده است. عیسی مسیح در پایان جهان بصورت عینی و فیزیکی به جهان بازخواهد گشت تا ملکوت خدا را بنا کرده و جهان را داوری کند .

روح القدس

روح القدس خداست. او شخص سوم تثلیث است. روح القدس شخص است و فقط یک فرم از نیرو و انرژی نیست. او آرامش می‌بخشد، محزون می‌شود، نکوهش می‌کند، ملزم می‌کند، راهنمایی و رهبری می‌کند، تعلیم می‌دهد و مسیحیان را از قوت حضرت اعلی‌ پر می‌کند. او خدای پدر یا خدای پسر نیست. او روح القدس است .

نجات

نجات هدیه خداست و از راه فیض بدست می‌آید نه از راه اعمال نیکو. این نجات فقط از طریق ایمان به کار مسیح بر صلیب و دریافت آمرزش گناهان بدست می‌آید. فرد باید بپذیرد که عیسی بخاطر گناهانش جان داده و بعد از ۳ روز از مردگان برخاسته است.این تنها نقشهٔ عاشقانه خدا برای بخشیدن گناهان بشر است .

پس از مرگ

ایمانداران بعد از مرگ، به عیسی ملحق خواهند شد. بعد از مرگ همه مردم منتظر داوری نهایی خواهند ماند. ایمانداران و غیرایمانداران قیام خواهند کرد. آنانی که نجات مسیح را دارند تا به ابد در بهشت با او خواهند زیست. آنانی که نجات عیسی را ندارند از عذابِ دوری از خدا تا به ابد رنج و زحمت خواهند کشید(جهنم). قیام عیسی با بدن روحانی این ضمانت را به ایمانداران می‌دهد که آنها نیز با مسیح رستاخیز خواهند کرد و تا به ابد با بدن های نامیرا خواهند زیست .

آداب

جلسات پرستش دسته جمعی در کلیسا برگزار می‌شود. هیچ مراسم و مناسک مرموزی درکار نیست. ایماندار تعمید آب می‌گیرد. مراسم عشاء و شام آخر را بطور مرتب برگزار می‌کنند. بصورت داوطلبانه ایمانداران به خدمت در امور کلیسایی و یا ماموریت های رساندن خبر خوش انجیل به دیگران فعالیت می‌کنند (میسپوئری). به نیازمندان و فقرا کمک می‌کنند. تمرکز اصلی بر بیوه زنان، یتیمان و طردشدگان جامعه است. مسیحیان باور دارند که عیسی مسیح، همان مسیح موعودی است که به قوم اسرائیل در عهد عتیق وعده داده شده بود. عیسی مسیح گفت: “از اینجا مردم خواهند فهمید که شاگردان من هستید اگر یکدیگر را به شدت محبت کنید“. هرگز برای توبه و بازگشت به سوی خدا دیر نیست .

محققین مسیحی - جان آنکریبگ و جان ولدن- اعلام کردند که ماسونری یک فرقه سحر و جادوگری است. زیرا علاوه بر دلایل دیگر، در نشانه گرای و فلسفه، مشابه بسیاری بدعت های دیگر در مسائل عالم غیب و جادوگری عمل می کند. حتی اذعان دارند، فراماسونری یک سیستم عرفانی است که با ورود به ضمیر ناخودآگاه در سطوح مختلف سروکار دارد. فراماسونری به اعضایش مطالعه متون بدعت های جادوگری و پاگان ها را برای دستیابی به درجات بالاتر توصیه می کند .

فراماسون ها هرگاه نقل قولی از کتاب مقدس انجام می دهند، اشارات به مسیح را از درون نقل قول ها حذف می کنند. در دعاهای عمومی نباید از اسم عیسی مسیح استفاده شود. در بسیاری از مراسم و آئین، عیسی از نظر مقام با زرتشت، بودا و محمد هیچ فرقی ندارد. از نظر "لژ اعظم" نجات و رستگاری از طریق اعمال نیکو و زندگی درست و خوب به دست می آید بدون کمترین اشاره ای به مسیح و صلیب او.



فراماسونری بنیانگذار یا سازمان مرکزی ندارد. فراماسونری یک انجمن مخفی است که ادعا دارد که نژاد شان به سنگ تراشان و اصناف میسیونر قرون وسطی و یا معبد سلیمان برمی گردد، اما در واقع در سال ۱۷۱۷ در لندن به عنوان گروه کوچکی از سنگ تراشان آزاد (لژ - شعبه فراماسون) آغاز به کار کردند. ماسونهایی که قصد عضویت دارند ابتدا باید مرحله لژ آبی را پشت سر بگذارند. بعد از آن به سمت آیین اسکاتلندی و بعد از آن به مرحله آیین پورک منتقل می شوند. در ایالات متحده آمریکا، لژ بزرگ هر ایالت بالاترین سطح از فراماسونری هستند که لژهای کوچک تر را رهبری و مدیریت می کنند.

ماسونری ادعا می کند تعالیم مخفی و اسرارآمیزی را که از زمان های کهن دریافت کرده انتقال می دهد. کتاب مقدس تفسیری ماسون ها می گوید: نژاد ماسونری به دوره های اسرارآمیز کهن بر می گردد. ماسونری به باور موجودات ماورایی تاکید دارد و همه مذاهب را با فرض اینکه به یک خدا باور دارند احترام می کند.

ماسون ها این خدا را "معمار کبیر عالم" می دانند. وفاداری ماسون ها را به یکدیگر متصل می کند. ماسون ها به یکدیگر سوگند یاد می کنند که تا پای مرگ رموز خود و مناسک اسرار آمیزشان را نزد کسانی که در دایره فراماسونری نیست فاش نکنند. فراماسون ها عهد می بندند که حتی در جرم و جنایت یکدیگر را محافظت کرده و از هم حمایت کنند .

متون و تالیفات

در مراسم خود معمولاً از کتاب مقدس مسیحیان و یا در برخی از موارد از کتب آسمانی مذاهب استفاده می کنند. تالیفات مهم عبارتند از :

- + سازندگان نوشته جوزف فورت نیوتن -۱۹۱۴
- + مقدمه ای بر فراماسونری نوشته کارل کلادی -۱۹۳۱
- + دایرة المعارف فراماسونری اثر گوپل -۱۹۶۱
- + دایرة المعارف فراماسونری ویرایش شده توسط مکی -۱۹۶۶
- + لژ بزرگ هر ایالت از مراسم خود گزارشی منتشر می کند تحت عنوان "مانیتور"

دسته کهن عرفانی ژژ کروسیس-AMORC- ترکیبی از غیب گویی، ارتباط با مردگان، عرفان و مذاهب مصری را در مناسک خود جای داده است. به همراه آن دستیابی به قدرت های ماوراء طبیعی، تله پاتی، حرکت اجسام بوسیله ارواح، غیب بینی، غیب شنوی و تجربه های خارج نیز دیده می شود. مراسم جادوگری این گروه با بکارگیری آیین ها، بخور، شمع، گیاهان طبی و متعلقاتی از این قبیل انجام می شوند. دسته های مربوط به AMORC با نشانه های کابالا، عرفان های نوظهور مسیحی و چیزهایی از این دست سروکار دارند.

متون و تالیفات

+ مهارت زندگی کتابچه مقدماتی

+ زندگی عرفانی مسیح - ۱۹۲۹

+ عمارت های روح - ۱۹۳۰

+ آموزه های سری عیسی - ۱۹۳۷

+ فهم تسبیح گرای (مجله سه ماهه)

+ نشریه تسبیح گرای (فقط برای اعضا)

+ تعالیم داخلی این گروه از طریق رسالات سری به وسیله پست، سخنرانی ها، مطالعات سامان داده شده در گردهمایی های اعضا در اختیار پیروان قرار می گیرد.

گفته می شود که فرقه تسبیح گرای توسط شخصی به نام جوهان ولنتین آندره در سال ۱۶۱۴ در اروپا شکل گرفت. البته آندره یک شخصیت تمثیلی و افسانه ای بنام کریستین روزن کراس را بنیانگذار اصلی این فرقه می دانست. اروپا در طی چند قرن گذشته لژهای (گروه و انجمن) تسبیح گرای بسیاری را تولید کرده است. بزرگترین گروه تسبیح گرای "دسته کهن عرفانی ژژ کروسیس" معروف به (AMORC) است که در سال ۱۹۱۵ توسط اچ. اسپنسر لوئیس تاسیس شده و با مقری در سن حوزه کالیفرنیا به فعالیت خود ادامه می دهد. AMORC ادعا می کند که صدها هزار پیرو در صد کشور دنیا این فرقه را تبعیت می کنند.

در نظر AMORC کتاب مقدس خاص و قابل اعتماد نیست. نوشته های این فرقه آشکارا در تقابل با تعالیم مسیحیت و بطور مخصوص در مخالفت و رد آموزه های کتاب مقدس در رابطه با تعریف خدا، مسیح، نجات و دیگر اصول مسیحیت است. از قرار معلوم ادعا می کنند که هر کس بدون در نظر گرفتن پیشینه مذهبی اش قادر است از تعالیم این گروه بهره مند شود. مدعی اند که تعالیم شان برای همه مفید است. آنچه درباره هدف زندگی تبلیغ می کنند "برتری بر نفس و تعالی انسان" است کلید تبدیل روحانی از نظر فرقه تسبیح گرای در جاهای مختلفی نهفته است. از جمله در مذاهب مصری، در هندوئیسم، در کابالا (عرفان یهودی)، در ناستیسیزم و مسیحیت ناستیکی.

دانش جویان پیرو این فرقه از راهکاری ذهنی برای تمرکز و عملی کردن خواسته های صحت و سلامت، موفقیت و آرامش و خوشبختی استفاده می کنند. اعتقاد به کارما، تناسخ و "برادری عظیم سفید" در چارچوب کلی تسبیح گرای دیده می شود. "برادری عظیم سفید" در واقع گروهی از به کمال رسیدگانی هستند که زندگی شان را وقف نشان دادن راه کمال به ما کرده اند.



انسانها ابتدا به عنوان "فرشتگان" در بهشت وجود داشتند. اما همانطور که سایت دیگری از WMSCOG شرح می دهد، ما به خداوند خیانت کردیم و به خاطر همین به زمین پرتاب شدیم. مواد لازم برای بدست آوردن نجات و زندگی ابدی شامل تعمید آب، پذیرفتن و ایمان به "مادر آسمانی" نگه داشتن سبت و نگه داشتن عهد جدید فصیح انجمن WMSCOG می باشد. بعد از مرگ روح شخص تا روز قیامت و داوری خواهد "خواهید" و نجات نیافتگان به جهنم خواهند رفت، مکانی برای عذاب همیشگی. نجات یافتگان دوباره به موقعیت فرشته بودن خود در بهشت بازگشت می نمایند.

جنبش آن سانگ هونگ بعد از مرگ وی به دو قسمت تقسیم شد. کلیسای عهد تازه فصیح NCPOG که پسر آن سانگ هونگ، آن کوانگ ساپ رهبری آن را به عهده دارد و ادعای پدرش را مبنی بر پدر آسمانی بودن وی رد نموده و اعلام کرده که فقط مادرش "مادر آسمانی" است. از نظر پیروانش این فرقه به عنوان "صهیون" و تنها کلیسای حقیقی که خدا بر زمین بنا کرده به حساب می آید. از فرقه های دیگر مسیحیت به عنوان "کلیساهای بابلی" پرهیز می کنند و دوری می جویند. اعضاء سمبل های صلیب و کریسمس را رد می کنند و باور دارند که پرستش در روزهای یکشنبه به مراسم خدایان غیر تعلق دارد نه به کلیسا. زنان باید در کلیسا روسری و حجاب داشته باشند. این گروه بارها و بارها مسائل بحث انگیز و شکست خورده ای تحت عنوان پیشگویی های زمان آخر را مطرح کرده و گفته شده جهان در سال ۱۹۸۸، ۱۹۹۹، ۲۰۱۲ به پایان می رسد. که در همه موارد پیشگویی ها غلط از آب درآمده اند.



متون و تالیفات

- + استفاده از کتاب مقدس به اضافه هفت جلد "کتابهای حقیقت" نوشته موسس و رهبران این فرقه
- + مجله ماهانه (ماهنامه) تحت عنوان الوهیست ELOHIST
- + توزیع نشریات داخلی شدیداً تحت کنترل این فرقه می باشد.

این بدعت توسط آن سانگ هونگ بنیان گذاشته شد که به او "پدر آسمانی آن سانگ هونگ" گفته می شود. باور دارند که او تجسم بازگشت ثانوی عیسی مسیح می باشد. رهبران فعلی این فرقه "ژانگ جیل جا" (مادر آسمانی) و "کیم جوچوئل" (شبان کل) هستند. اول بار در سال ۱۹۶۴ به عنوان کلیسای خداوند و شاهدان مسیح شروع به کار کردند. مراکز اصلی و معبد اورشلیم جدید در بودانگ کره جنوبی واقع شده اند.

گرچه انجمن ماموریت جهانی - کلیسای خداوند مدعی است که به "تثلیث مقدس" معتقدند، اما در واقع آموزه اصلی و کهن مسیحیت را رد می کنند و در عوض یک فرمی از بدعت گذاری قدیمی به نام "مادلیسم" که در آن پدر، پسر و روح القدس فقط ۳ ظاهر بیرونی خدایند و سه شخص مجزا در ذات خدا نیستند. یکی از وب سایت های WMSCOG اعلام کرده که خدا سه نقش متفاوت در تثلیث بازی می کند. سه اسم و مظهر متفاوت دارد اگرچه در همه اینها طبیعت خود را بعنوان خدا حفظ می کند. بنابراین یک وب سایت ادامه می دهد که اسم خدای پدر یهوه، اسم خدای پسر عیسی و اسم روح القدس آن سانگ هونگ است.

علاوه بر این WMSCOG وجود دو خدا را تصدیق می کند. تعلیم می دهد که کلمه عبری "الوهیم" که در عهد عتیق استفاده شده به هر دو خدای پدر و همچنین به آن زنی به نام ژانگ جیل جا که او را "خدای مادر" می نامند، اشاره می کند. ژانگ جیل جا به عنوان "اورشلیم سماوی" و "عروس عیسی مسیح" از جایگاه و احترام ویژه ای برخوردار است.





مذهب شینتو بنیانگذار مشخصی ندارد. این مذهب که بومی کشور ژاپن است، اصالتاً از کلمه چینی شین + تائو به معنی طریق خدایان بوجود آمده است. افسانه های کهن شینو در شکل گیری این مذهب به خدایانی بنام "کامی" که در اصل لقبی از سر تجلیل برای ارواح با عظمت و مقدس است اشاره می کنند. باور دارند که کامی ها جزیره ژاپن را بوجود آورده اند. مذاهب ژاپنی از این دست اصولاً به ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برمی گردند .

خدا در شینتو خالق شخصیت مند نیست اما او در واقع آن روحی است که در پشت تمامی ارواح مقدس(کامی ها) نهفته است. شینتو از دسته آئین های آئیمیسیم است. زنده‌انگاری یا آئیمیسیم آیینی است که گرایندگان به آن اعتقاد دارند که تمامی عناصر طبیعت دارای روح و جان و زنده‌اند. غالباً این ارواح و جان‌ها به گیاهان و حیوانات نسبت داده می‌شود .

می گویند روح مقدس پشت تمام طبیعت از جمله صخره ها، درختان و رودها، چیزی جز کامی نیست. به همین منظور شینتو در واقع به نوعی مبلغ همه خدایی و یا چند خدایی می باشد. بیش از ده و یا دوازده کامی اصلی وجود دارند که از میان آنها می توان به آماتراسو اشاره کرد .

آماتراسو: الهه خورشید است که سمبل آن در خورشید طلوع کننده در پرچم کشور ژاپن میباشد که معتقدند امپراتوران این کشور از نسل آماتراسو هستند .

در شینتو از نجات و رستگاری سخنی به میان نیامده، می گویند هدف از وجود انسان فقط یک زندگی تماماً اخلاقی است. بعد از مرگ هر انسان در قالب یک کامی ادامه حیات خواهند داد .

تقریباً تمامی پیروان شینتو ژاپنی هستند. تعداد بسیار کمی غیرژاپنی به این آئین و مذهب گرویده اند آکیهیتو امپراطوری فعلی ژاپن فرزند امپراطور هیروهیتو (که در دوران جنگ جهانی دوم بر ژاپن سلطنت می کرد) از سوی برخی پیروان شینتو به عنوان یک موجود صاحب الوهیت قابل احترام است .

کامی ها در معبد شینتو تحت رهبری موبدهای شینتو در کل ژاپن پرستیده می شوند. هر معبد به یک کامی تقدیم و وقف شده که باور دارند به دعاهای صادقانه پاسخ مثبت می دهند. دعاها معمولاً برای رفع نیازها و سختی زندگی و طلب برکت به کامی ها ارائه می شوند. آئین شینتو بسیاری از اماکن را مقدس می داند. کوهستان، چشمه ها و مکان های مهم تاریخی در نظر این مذهب مقدس اند .

متون و تالیفات

بسیاری از متون که به قرن ۸ و بعد از آن برمی گردد در این مذهب قابل توجه اند. متون پراهمیت در شینتو عبارتند از :

+ **دو رزم نامه ملی ژاپن**

الف) کوچیکی (۷۱۲ پس از میلاد)

ب) نیهون شوکی (۷۲۰ پس از میلاد)

+ **ریکوکوشی: شش تاریخ نامه ملی که شامل این دو هستند**

شوکونیهونگی (۶۹۷-۷۹۱ پس از میلاد)

جینو شوتوکی (۱۳۳۸ - ۱۳۴۱ پس از میلاد) (معاهده ای بر سیاست و تاریخ ژاپن)



کنفوسیوس درباره زندگی بعد از مرگ و عالم روح حرفی نزده است. اما از نظریه چینی پرستش اجداد در تعالیمش حمایت می کند. در این قسمت بیشتر از منظر احترام به درگذشتگان به موضوع نگاه می کند.

تاکید کنفوسیوس بر پرورش تقوی فرزند قابل توجه است. بر احترام و عشق ورزیدن به والدین و اجداد درگذشته و وفاداری به قانون طبیعت اصرار می ورزد.

از مناسک این مذهب می توان به دادن هدایا به ارواح اجداد و احترام و رعایت و بجا آوردن مناسبت های مختلف زندگی (تولد، ازدواج، تشییع جنازه) اشاره کرد. یک جنبش جدید کنفوسیوسی در قرن بیستم آغاز به کار کرد که به نوعی بازتابی از جنبش نئو کنفوسیوسی سال های ۹۶۰ تا ۱۲۷۹ بعد از میلاد بود که در آن به کنفوسیوس، بودا و لائوتسه اجر و قرب ویژه می دادند. علاوه بر قسمت مین لنی چین، کنفوسیانیسم بر تایوان، ژاپن، کره و ویتنام تأثیرات فراوان گذاشته است.

متون و تالیفات

- + جُنْگ ادبی کنفوسیوس (۲۲۱-۴۷۹ قبل از میلاد) جمع آوری شده توسط شاگردانش بعد از مرگ وی
- + آموزش کبیر(تعلیمات در مورد تقوی) منتسب به کنفوسیوس و زنگی (۴۳۶-۵۰۵ قبل از میلاد)
- + مرام میانه (میانه روی کامل)
- + منسیوس: آثار مفسر بزرگ آئین کنفوسیوس
- + کتاب تقوی فرزند (۴۰۰ سال قبل از میلاد)
- + پنج نوشته باستانی: مجموعه ای که شامل کلاسیک های تغییر می باشد. (سیستم پیشگویی)

آئین کونفوسیوس توسط کونگ فوزی که در سالهای ۴۷۹ تا ۵۵۱ قبل از میلاد می زیسته بنیان گذاشته شد. شاید بتوان گفت که کونفوسیوس محترم ترین و تأثیرگذار ترین چهره در تاریخ چین میباشد. این مذهب از قرن ششم قبل از میلاد تا امروز طرفدارانی دارد.

بسیاری کنفوسیانیسم را یک مذهب رسمی قلمداد نمی کنند. زیرا کنفوسیوس از خدا و خدایانی سخن به میان نیاورده است. علیرغم این، او و دویست مرید و شاگرد دیگر وی در معابد کنفوسیوسی در نقش خدا پرستیده می شوند.

هدف از زندگی و نجات در کونفوسیانیسم قابل توجه است. اگرچه کونفوسیوس به مفهوم بهشت از منظر فرهنگ چینی به عنوان یک واقعیت روحانی معتقد بود و احترام می گذاشت، اما وی بیشتر دغدغه اش یک زندگی اخلاقی در حکومت داری و روابط بود.

جامعه ایده آل از نظر او جامعه ای بود که در نظم مطلق و هارمونی با فردی به کمال رسیده باشد کلیت فلسفه او در واقع "فلسفه انسانیت اخلاقی" است. کنفوسیوس در تعالیمش می گفت که انسان متعالی شخصی است که عدالت و پارسایی نیروی محرک اوست نه منفعت.



برخی از پیروان این مذهب به تناسخ معتقدند. حال آنکه به اعتقاد برخی دیگر زندگی بعد از مرگ به نوعی ادامه زندگی زمینی است. باور دارند که آدمی می تواند بعد از مرگ هم به زندگی خویش در قالب تائو ادامه دهد. در واقع زندگی و مرگ هر دو در درون تائو هستند.

از دیگر موارد قابل توجه در تائوئیسم اعتقادی است که بر "پنج حکم یا فرمان" تاکید دارد. پنج اصل اخلاقیات درونی که به نوعی چیزی شبیه 5 سیلاس در بودیسم می باشد. از مسائل دیگر این مذهب تسلط ارواح بر بدن، مدیوم بودن و شدن(واسطه گری برای ارواح) و غیب گویی و فال گیری است.

تائوئیسم همچنین بر ورزش رزمی تای چی جوان، چی کانگ و طب سنتی چین تأثیرات خود را گذاشته است. اکثر پیروان تائوئیسم در چین هستند و گسترش و رشد تائوئیسم در آمریکای شمالی رو به افزایش است.

متون و تالیفات

+ تائو ته چینگ (قرن ۴ قبل از میلاد) منتسب به لائوتسه

+ جوانگ زی (۲۲۱-۴۷۶ قبل از میلاد) منتسب به نویسنده ای به همین نام

+ مجموعه بزرگتری از تعالیم تائوئیسم، تائوتسنگ نام دارد (گنجینه تائو) گردآوری شده در حدود سال ۴۰۰ بعد از میلاد

بنیانگذار تائوئیسم شخصی است بنام "لی اره" که او را لائوتسه معروف به استاد کهن می خوانند. به احتمال زیاد اولین فیلسوف مشهور چینی هم عصر یا قدیمی تر از کنفوسیوس است(۵۳۰ - ۴۷۰ قبل از میلاد). از نظر تاریخ شناسان هویت حقیقی او هنوز در هاله ای از ابهام است.

مذهب تائو به معنی "راه" در قرن ششم قبل از میلاد در چین آغاز شد و در حدود سالهای ۴۴۰ بعد از میلاد می شود گفت که بعنوان مذهب رسمی چین به حساب می آمده است. تائوئیسم مذهبی است که آزادیخواه و بر پایه رفتار نیک بنیان نهاده شده است که تشریفات و رسوم مذهبی را بیهوده می داند. تائوئیسم مذهب چند خدایی است که در آن اشخاص مختلفی مثل امپراتور "جید" صاحب اولوهیت تصور شده و پرستش می شوند. امپراتور جید در فرهنگ چینی نماد و نشانه اولین خداست و از این رو اهمیت مذهبی فراوانی دارد. خود لائوتسه به عنوان خدا و کسی که دارای اولوهیت است در کنار دیگر خدایان نامیرا تائوئیسم مورد تکریم و احترام قرار می گیرد. در تائوئیسم هیچ گاه از خدا یا خدایان متعال حرفی به میان نیامده است.

آموزه های تائوئیسم تا حد وسیعی گوناگون و متنوع است که شامل اعتقادات متعدد طبیعت گرایانه و افسانه های کهن آسیاست. تائو راهی است که از طریق آن زندگی درد و سطح مادی و معنوی معنا و مفهوم می یابد. تائو در واقع آن نیرو و انرژی پشت نظم طبیعی است و یا همان قدرتی است که تمام عالم را در تعادل و نظم نگه می دارد.

یین و یانگ اصل ها و نیروهای مکمل مادینه و نرینه جهان در مذهب تائوئیسم هستند. بین منفعل، ضعیف و نامنظم است. حال آنکه یانگ فعال، قدرتمند و تلفیقی می باشد. یین و یانگ می توانند از طریق مدیتیشن و تفکر و مراقبه در انسان به هارمونی برسد. هدف از این کار دستیابی به هماهنگی و هارمونی با تائو - راهی - است که قدرت نامرئی و صلح آمیز در درون همه اجزای جهان می باشد. در تائوئیسم چیز مشخص و گویایی به نام نجات و رستگاری وجود ندارد.



تئوسوفی می گوید که یک مقوله نامرئی و نادیدنی این است که فرآیند تکامل زمین برای هزاران سال توسط سلسله مراتبی هفت گانه از موجودات ماورالطبیعه (متعالی) رهبری و هدایت شده است. این موجودات متعالی مثل یک استاد غیبی والا تلقی می شوند خودشان را بر انسانهایی که روحشان آمادگی و پذیرش داشته باشد ظاهر و آشکار می کنند. بلاواتسکی ادعا می کرد که با بسیاری از این اساتید غیبی والا در ارتباط روحانی است کما اینکه جانشینان بعد از او هم همین ادعا را کردند.

یوگا و مدیتیشن در پرورش و رشد روحانی کارآیی دارند. قدرت های غیب بینی که شامل دسترسی به کتابخانه نهان و یا همان "بایگانی آکاشیک" است از همین طریق قابل دستیابی است. بسته به توانایی هر فرد سفرهای خیال اندیشانه (تجربه خارج از بدن) و دیگر توانایی های ماورالطبیعی را می توان تجربه کرد.

در این گروه طالع بینی و دیگر تمرینات میان فرقه ای به عنوان "علم حقیقی" پذیرفته شده است. یک دایره داخلی معروف به "بخش مخفی و مرموز" درگیر تمرینات مدیتیشن اسرارآمیزی می شوند که از این طریق اعضای این دایره را به اساتید غیبی والا متصل کنند. تئوسوفی در واقع زمانی در فرقه ها و بدعت های غربی تبدیل به منبع اصلی آموزه "حکمت کهن" شد. از این طریق باعث انگیزش و الهام دیگر بدعت ها مثل **کلیسای جهانی پیروزمند** که فرقه ای منشعب از جنبش عصر نو است، گردید.

متون و تالیفات

+ آثار اصلی بلاواتسکی شامل آی زمینِ عریان (آموزه مرموز - ۱۸۸۸)

+ کلیدی به تئوسوفی (۱۸۸۹)

+ گاهنامه طلوع

تئوسوفی یکی از سیستمهای "فلسفه خفیه" یا دانش جستجوی مستقیم اسرار وجود و طبیعت است. تئوسوفی به یک دانش یا خود مخفی اشاره می کند، جنبشی که مبداء بنیانگذاری آن به هلینا بلاواتسکی برمی گردد. او که ملقب به بانو بلاواتسکی یا اچ پی بی نیز بود. در سال ۱۸۷۵ انجمن تئوسوفی را به همراه هنری استیل الکت در نیویورک راه اندازی کرد. امروزه دو گروه بنام انجمن تئوسوفی شناخته شده هستند که یکی در هندوستان و دیگری در پاسادینا، کالیفرنیا فعالیت دارند.

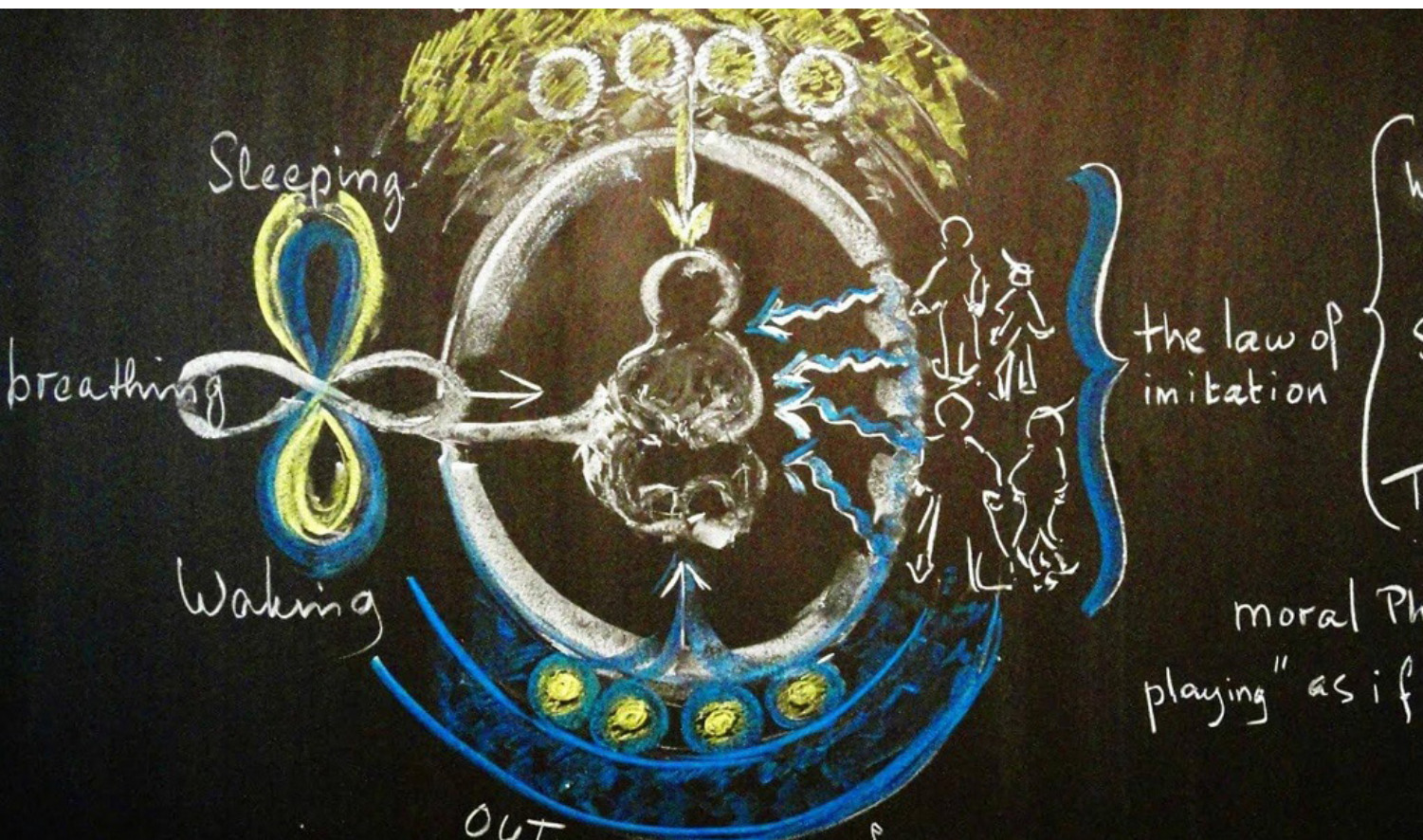
حکمت کهن" تعالیمی است مرکب از آموزه هایی از مذاهب یونانی، مصری، مسیحی، ناستیک و بودیسم. وداهای هندو و متون کهن دیگر شالوده اصلی تعالیم این گروه را تشکیل می دهد و گزیده هایی از مذاهب دیگر جزو تعالیم جانبی هستند. همه خدایی، تناسخ، یوگا، تکامل ضمیر و قدرت های غیب گویی از حوزه های تعالیمی این گروه می باشند.

عیسی بعنوان پنجمین تجسم در نژاد آریایی مسیح است و یا به او بعنوان "معلم والای جهانی" احترام گذاشته می شود. تئوسوفی کفاره گناھانی که عیسی از طریق مصلوب شدن بر صلیب برای بشر به ارمغان آورده را رد می کند و اعلام می کند که انسان با زندگی چندباره از طریق تناسخ، خودش منجی خودش خواهد بود. هر انسان، خودش یک مسیح بالقوه است.



پایه اصلی فکر و اعتقادات در آنتروپوسوفی آن است که انسان قادر است بصورت مستقیم با جهان ارواح تماس برقرار کند. این مهارت فقط از طریق تمرین و تمرکز و مدیتیشن در آدمی بیدار می شود. آنتروپوسوفی و مناسکش غالباً شامل همین نوع تمرین ها می شوند .

مانند بسیاری از مدیتیشن های سحر و جادویی این هم می تواند دری را بر روی دخالت در جهان نادیدنی بگشاید. چیزهایی از قبیل احضار ارواح و پدیده های مربوط به آن مثل غیب بینی، غیب گویی و میانجی گری با ارواح . گروه های مرتبط با آنتروپوسوفی و فعالیت های آن : جنبش مدارس والدورف، محصولات شخصی و بهداشتی ولدا، کشاورزی بیودینامیک (کشاورزی آلی با المان های سحر و جادویی) را شامل می شوند .



متون و تالیفات

تمام نوشته های استاینر از اعتبار خاصی برخوردارند که از آن جمله به ۶۰۰۰ سخنرانی، صدها مقاله و ۳۳ کتاب می توان اشاره کرد. کتابهایی مثل :

+ فلسفه آزادی (۱۸۹۴)

+ مسیحیت به عنوان یک حقیقت عرفانی (۱۹۰۲)

+ سرفصل های علم جادو (۱۹۱۵)

آنتروپوسوفی بدعت حکمت انسانی است که به علم شناسایی طبیعت و ماهیت انسانی می پردازد. اول بار ایگناس تروکسلر آن را به جای شناخت و معرفت انسانی بکار برد. اما بطور رسمی انجمن آنتروپوسوفی در آلمان توسط یک غیب گوی اتریشی به نام رودولف استاینر در سال ۱۹۱۲ بنیان گذاشته شد. آنتروپوسوفی یک گروه منشعب شده از تئوسوفی است که مقلد اصلی آنها در دوناوکارک سوئیس است .

استاینر ادعا می کرد که دانش اش را بطور مستقیم از بُعد روح و روحانی دریافت می کند. آنتروپوسوفی بر اساس مکاشفات شخصی استاینر بنا شده که سعی می کند توضیحی برای تاریخ به شدت پیچیده تکامل بشر به دست بدهد. او به عنوان یک باورمند به تئوسوفی کارش را آغاز کرد و مفاهیم تئوسوفی را بعنوان کارما و تناسخ پذیرفت. آنتروپوسوفی یک بدعت انسان محور است و کمترین توجهی به خدا و رابطه انسان با او ندارد .

اگرچه استاینر سیستم خودساخته خویش را "مسیحیت حقیقی" نام نهاد، اما به آن لقب "مسیحیت سحر و جادویی" را نیز داد و سعی کرد رادیکال وار، واژگان مسیحیت را از نو تعریف کند. استاینر به کتاب مقدس به عنوان یک مکاشفه ای نگاه نکرد بلکه به آن به عنوان ظرفیت های انسان نظر انداخت. او دو عیسی جداگانه را شرح داد که از لحاظ روحانی با همدیگر ادغام شده اند. او توضیح می دهد که ذات مسیحایی در پیکر عیسی بصورت انسان درآمد و سه سال در وی ماند. در واقعه مصلوب شدن، خون عیسی باعث نجات و رستگاری انسان از گناهان نشد بلکه به زمین مادی فرو رفت جایی که قدرت عرفانی اش تکامل کیهانی ما را قوت بخشیده و ما را از مادیات آزاد می سازد. این امر، ذات مسیحایی را در تمام بشر بصورت جمعی تجسم می بخشد (ذات مسیح در تمام بشر حلول می کند که این به معنی بازگشت ثانوی مسیح است).

عیسی برای همگان جان داده است. اگر کسی ایمان داشته باشد که نجات خواهد یافت و مسیح را بپذیرد نجات را دریافت می کند. شخص فقط وقتی می تواند حقیقتاً صاحب روح القدس باشد که به وجود برانهام به عنوان صدای خدا اعتراف کند. نجات می تواند با عدم پذیرش عیسی و یا عدم ایمان به نجات خود از بین برود. در هنگام مرگ "پیغام باوران" در "بعد ششم" تا زمان بازگشت عیسی منتظر خواهند ماند. در حال حاضر غیرایمانداران به مکانی مابین بهشت و زمین خواهند رفت. جهنم یک چیز ابدی نیست. شیطان و شریران رنج و عذاب خواهند کشید و در نهایت نابود خواهند شد.

کلیساهای برانهامیست از عبارات مختلفی برای عنوان خود استفاده می کنند. عناوینی که در آن کلمه "خیمه برانهام" دیده می شود. در سمبل های خود از عقاب، هرم و عکسی از سال ۱۹۵۰ که در آن "ستون آتش" بر فراز سر برانهام دیده می شود استفاده می کنند. در آموزه "بذر مار" می گویند که سقوط انسان در باغ عدن بخاطر رابطه جنسی حوا با مار بود. (ماری که شیطان در آن ساکن شده بود). بخاطر حوا، زن را به معنی عام، عامل گناه در جهان می دانند.

بعد ششم: جایی است که برانهام هم اکنون در آن به سر می برد. متعلق به کسانی است که ماموریت خود را در زمین با موفقیت به پایان رسانده اند



متون و تالیفات

کتاب مقدس (ترجمه کینگ جیمز) که فقط با تفسیر ویلیام برانهام قابل درک خواهد بود. اتکای افراطی بر موعظت و کتاب های ویلیام برانهام که بطور وسواس گونه مکتوب شده اند. از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

+ تفسیر ۷ عصر کلیسایی (۱۹۶۵)

+ مکاشفه ۷ مهر (۱۹۶۷)

+ هدایت، نظم و آموزه کلیسا - دو جلدی (۱۹۷۳-۱۹۷۴)

+ ردپایی در شن های زمان - دو جلدی (۱۹۷۵)

در سال ۱۹۴۶ یک آمریکایی اهل کنتاکی که مدعی بود می تواند بیماران را شفا دهد فعالیت خود را آغاز کرد. این نبی خودخوانده کسی نبود جز ویلیام ماریون برانهام که در سال ۱۹۰۹ متولد شد. وی ادعا می کرد در ۳ سالگی اولین مکاشفه الهی را تجربه کرده است. او بصورت غیر مستقیم اعلام کرده بود که بازگشت روح "ایلیای نبی" است.

او و پیروانش باور داشتند که هفت دوره در تاریخ کلیسا وجود دارد که هر دوره نمایندگان داشته است. عصر افسسیان به نمایندگی پولس - عصر اسمیرنایی (ایرینوس) - عصر پرگامونی (مارتین تورز) - عصر تیاترای (کلمبا) - عصر ساردسی (مارتین لوتر) - عصر فیلادلفیایی (جان ولسلی) و عصر لائودیکیه که ویلیام برانهام آن را نمایندگی می کند. پیروان این بدعت نام خود را برانهامیست و یا پیغام باوران گذاشته اند. باور دارند که "برادر برانهام" تحقق نبوت کتاب ملاکی ۴: ۵ و آخرین نبی خداست.

تثلیث دروغی بیش نیست و کسانی که به تثلیث باور دارند در واقع معتقد به سه خدایند. اما خدا یک موجود ابدی و ازلی و قادر مطلق است که قبل از اینکه موجودات جهان را خلق کند تا وی را پرستند اصلاً "خدا" نبوده است.

مسیح و روح القدس کیستند؟ تعالیم برانهام درباره عیسی گنگ و مبهم و غالباً پر از تناقض است. او عیسی را با روح القدس همانند می داند که از کلمه خدا "لوگوس" ظهور کرده است. خدا مسیح را بعنوان یک انسان بدون گناه در درون مریم خلق کرد تا از این طریق به روح القدس یک تجسم بیرونی و قالب مادی ببخشد. روح القدسی که در هنگام تعمید آب به او ورود کرده و در باغ جتسیمانی از وی خارج شده است. (زیرا که قرار بود عیسی بعنوان یک انسان گناهکار از این دنیا برود)

امروز عیسی در درون ایمانداران تحت عنوان روح القدس زیست می کند. برانهام پیشگویی کرده بود مسیح در سال ۱۹۷۷ بازخواهد گشت.



اعمال جادوگری در شیطان پرستی حول محور امیال انسانی، حقه بازی، مجسمه، تمثال و قدرت اراده می چرخد. در نظر یک شیطان پرست چیزی بعنوان انرژی های روشن و تاریک طبیعت (مجیک سیاه و سفید) وجود ندارد. فقط به کلّیت سحر و جادوگری باور دارند. لاوی می نویسد مناسک شیطانی ترکیبی از عناصر ناستیکی، کابالایی، ماسونی و کیمیاگری مصری است که در آن از قدرت کلمات ارتعاشی استفاده می کنند. به صفحه آخر- ۹ گناه و ۹ قانون شیطانی- مراجعه کنید.

برخی از شیطان پرستان مراسمی کفرآمیز که در آن به خدا دشنام می دهند برگزار می کنند که به آن "توده سیاه" می گویند. مهمترین مناسبت های شیطان پرستان روز تولد هر شیطان پرست و ۳۰ آوریل (اعتدال بهاری) و ۳۱ اکتبر است.

اگرچه برخی از شیطان پرستان باور دارند که شیطان یک موجود واقعی و شخصیت مند است اما پیروان تعالیم لاوی چنین باوری ندارند. در عوض شیطان سمبل انسان بعنوان خدای خویشتن و بر علیه تمام مذاهب خدا باور است. می گویند انسان به نوعی حیوان است که باید از هر استاندارد اخلاقی مبرا باشد. اعتقاد به گناه، از این رو بوجود آمده تا انسانها توسط سیستم های مذهبی متظاهر زیر سلطه قرار بگیرند. اگرچه انسان باید از اشتباهات خود بیاموزد اما به چیزی به نام نجات احتیاجی ندارد. هیچ زندگی بعد از مرگ در کار نیست. زندگی حال و اکنون است که باید تا سرحد امکان از آن لذت برد.

متون و تالیفات

+ انجیل شیطانی (۱۹۶۹)

+ جادوگری شیطان (۱۹۶۱)

+ و دیگر تالیفات آنتان لاوی



در سال ۱۹۶۶ در سانفرانسیسکو ایالت کالیفرنیا اولین کلیسای شیطان توسط آنتان لاوی بنیان گذاشته شد. بسیاری از گروه های شیطان پرستی الگوی خود را از کلیسای شیطان برداشته اند. شیطان پرستی کاملاً و با تمام قوا تمامی اصول و آموزه های کتاب مقدس و مسیحیت را رد می کند. شیطان پرستی فرقه ای وقیح و تماماً انسان محور است.

خدا بعنوان یک انرژی غیرشخصیت مند که وظیفه تعادل طبیعت را به عهده دارد شناخته شده است. لاوی می نویسد آنانی که به خدا به عنوان یک موجود حقیقی باورمند هستند در واقع به ضمیر شخصی خود یک فرم بیرونی داده و آن را پرستش می کنند. شیطان پرستان مسیح را یک موجود افسانه ای شکست خورده می پندارند.

۹ گزاره اصلی در شیطان پرستی وجود دارد که برخی از مهمترین آنها از قرار زیر است:

- + انسان باید به دنبال لذت وافر باشد و پرهیز نکند.
- + فقط با کسانی که شایسته مهربانی اند عطوفت کنید.
- + بجای اینکه طرف دیگر صورت را برای سیلی خوردن بچرخانید در پی انتقام و تقاص باشید.

شیطان پرستان به کسانی که می خواهند اعمال نیکو بجا بیاورند به چشم تمسخر و بدبینی نگاه می کند.

هیچ سازمان مرکزی یا بنیانگذاری ندارد. وودو به معنی افسونگری و افسون کردن است. اول بار توسط بردگان آفریقایی به مستعمره هائیتی آورده شد و اکنون مذهب رسمی هائیتی وودوو می باشد.

اولین بار بین سالهای ۱۷۹۱-۱۸۰۴ بعد از انقلاب هائیتی وارد ایالات متحده شد. وودووی هائیتی یک مذهب جان گرا است که معتقد است هرچیزی در طبیعت صاحب جان است. در این مذهب ترکیبی از بدعت های آفریقایی، کاتولیک رومی، تمثال و عکس فولکور اروپایی به چشم می خورد. در اصل دو شاخه اصلی در وودوو وجود دارد:

رادا: که در نظر پیروانش شاخه بی خطر و ملایم وودوو می باشد.
پترو: که به عنوان جادوگری سیاه به آن نگاه می کنند.

وودوو به خالق بسیار بعید به نام "بوندای" عارف است. بعد از مرگ بخشی از روح انسان به سمت "بوندای" خواهد رفت و بخشی دیگر به سمت گین (سرزمین گمشده مادری - آفریقایی). پیروان وودوو برخی به تناسخ اعتقاد دارند.

ارواح در وودوو با نواختن درام و طبل در مراسم احضار می شوند. مالکیت روح پرستندگان را در اختیار می گیرند و از طریق آنها شروع به حرف زدن می کنند و دست به رفتارهای بی اختیار و عجیب می زنند.

انواع مختلفی از فال گیری، غیب گوئی و جادوگری را در جهت محافظت، شفا، هدایت و شانس، ضربه وارد کردن به دشمنان وودوو به کار می گیرند.

مراسم اهدای هدایا شامل تقدیم غذا و نوشیدنی و قربانی حیوانات است که برای دلجویی کردن از ارواح استفاده می شوند. در برخی از مناسک و مراسم قبرستان ها نقش اساسی بازی می کنند.

در باور وودوو انسانها باید با سه نوع ارواح دست و پنجه نرم کنند:

لمیسته: یا همان لُوا که به ارواح یا چیزهای نامرئی گفته می شود.
لمو: روح مرگ - ارواح مردگان .
لماراسا: روح دوقلوهای مقدس .

شاید به اعتقاد آنها بالغ بر هزاران ارواح شهوت و هوس باز وجود دارد که مهمترین آنها "عزلی" و "دمبالا" هستند. این دو در میان قدرتمند ترین ارواح وودووی هائیتی از دسته ارواح زنانه هستند.

متون و تالیفات

پیروان وودوو هیچ کتابی ندارند. سیستم اعتقاداتی وودوو برپایه چارچوب مکتوب نیست بلکه بر پایه سنت های شفاهی استوار است که از در مناطق مختلف دنیا با هم تفاوتی دارند.



توئیچیل تعلیم می دهد که شیطان همان یهوه یهودیان و خدای پدر در تعالیم مسیحیت است. بنابراین عیسی در حقیقت به عنوان "پسر کال نیرانجان" که همان شیطان است می باشد. در جاهای دیگری از تعالیم اکنکارها می بینیم که عیسی را به عنوان یک رهبر یک در منطقه یهودا می دانند.

از روح القدس به عنوان اسم دیگری برای جریان یک یاد می شود .

نائل شدن به روشن ضمیری کامل و یا اتحاد با سوگماد از طریق هماهنگی و تنظیم خویش با جریان یک به دست می آید که از طریق "سفر روح" یک را تا سرمنشاء آن می توان تعقیب و پیروی کرد. و به منبع اصلی اش وصل شد. این نجات و رستگاری است. بعد از مرگ شخص از طریق تناسخ به جهان بازمی گردد. دوباره و چندباره خواهد زیست تا پاک شده و به سوگماد بازگشت نهایی نماید .

مراسم "سفر روح" در اکنکار مشابه تجربه خارج از بدن است. می گویند این تکنیک فقط توسط رهبر زنده یک قابل تدریس است و در نهایت با صدها تمرین روحانی میسر خواهد بود. تمرین های روحانی شامل: تجسم فکری، ذکر و خواندن آهنگ "هیو" (کهن ترین و مرموزترین اسم خدا) می باشند. در حین سفر روح شخص میتواند با رهبران پیشین یک ملاقات کند و جریان یک را تا سرمنشا آن دنبال کند. اعضای این گروه "چیلاس" نامیده می شوند که باید از مراحل مختلف بسیاری عبور کنند.



اکنکار یک جنبش نوظهور مذهبی است که در سال ۱۹۶۵ در سن دیه گو کالیفرنیا توسط پال توئیچیل بنیان گذاشته شد. خود را مذهب "نور و صورت خدا" می نامند و مدعی اند در این گروه پیروان قادر به صدا و نورالهی هستند. همچنین از آن بعنوان "علم کهن سفر روح" نیز یاد می شود .

رهبر اکنکار بعنوان "ماهانتا" یا استاد زنده "یک" شناخته می شود، که در واقع راهنمای معنوی پیروان است. در حال حاضر هارولد کلمپ بعنوان رهبر زنده و فعلی اکنکار مشغول به فعالیت است. این گروه بیشتر درچهنسن مینه سوتا مستقر هستند .

خدا در اکنکار ماهیتی بدون شکل و فرم دارد که حامل نور و صورت است. به آن "سوگماد" که جنسیت مردانه و زنانه ندارد اطلاق میشود (نه مذکر است و نه مونث و منبع تمامی حیات است). صورت و نور از درون سوگماد به بیرون سرازیر شده و به درون آن توسط جریانی که "یک" نام دارد باز می گردد. سوگماد به باور اکنکارها "راه جاویدان" و مسیحیت راه فرعی است. معتقدند مسیحیت تا درجه ای به روشن ضمیری انسان کمک می کند. مفهوم کتاب مقدسی تثلیث توسط اکنکار به رسمیت شناخته نشده است .

متون و تالیفات

- + شریعت - کی - سوگماد (۱۹۷۰) که به عنوان کتاب مقدس اکنکار محسوب می شود .
- + تالیفات دیگر پال توئیچیل که شامل دندان نیش ببر - ۱۹۶۷
- + اکنکار کلیدی به اسرار جهان - ۱۹۶۹
- + فلوت خدا - ۱۹۷۰
- + نوشته های هارولد کلمپ



فرقه سانتريا بنيانگذاري ندارد. کلمه سانتريا در زبان اسپانيولي به معنی "راه مقدسين" است. سانتريا در اصل مذهب مردم يوريا در جنوب غربی نيچريه است که در فواصل قرنهای ۱۶-۱۹ ميلادی به عنوان برده به کوبا مهاجرت کردند. از آنجا به بعد سانتريا پس از فرار کوبايی ها که از دست رژيم فيدل کاسترو به آمريکا پناه آورده بودند، راه ورود به ايالات متحده را پيدا کرد .

سانتريا مذهبی بر پایه فلسفه جان گراپی (همه چیز در طبيعت صاحب روح است) استوار است. اما برخی از پیروانش از کاتولیک های رومی هستند. سانتريا به وجود خدایي بعید به نام اولوفی یا اولودوماری باورمند است. عیسی از نظر این فرقه مذهبی یک "جادوگر بزرگ" است. آشه انرژي خنثی کیهانی است. سانتريا به تناسخ نیز معتقد است .

برخی سانتريا را بعنوان جادوگری جنگلی که با زندگی شهری خود را وفق داده است تشریح می کنند. فالگیرهای سانتريا از صدف و خرمهره ، نارگیل و ديگر اشیاء مقدس برای شناسایی و حل مشکلات شخصی شان استفاده می کنند. مالکیت بدن توسط ارواح دائماً در مراسم پرستشی سانتريا اتفاق می افتد. در این بین حیواناتی مانند مرغ و بز قربانی می شوند. همچنین انواع گیاهان در این مراسم بکار گرفته می شود .

به پیروان این گروه تعلیم داده می شود که سنگ های مقدسی مثل اوتانس و ديگر طلسم ها دارای قدرت روحانی عظیمی هستند .

پیروان سانتريا باید ارواح دمدمی مزاج بسیاری را آرام کنند. ارواحی با درجه الوهیت کمتر مثل (اوریشاس) و ارواح مردگان (مانند روح اجداد، بردگان، سرخ پوستان و چپسی ها) از این دسته اند. به اعتقاد پیروان، اوریشاس ارواحی هستند که به نیروهای طبيعت و مقدسين کاتولیک متصل اند. اوریشاس های اصلی هفت قدرت آفریقایي اند که هر کدام افسانه های کهن پیچیده مربوط به خود را دارند .

متون و تالیفات

هیچ تالیفات مدونی در این فرقه وجود ندارد. تعالیم و دستورالعمل سانتريا برپایه سنت های شفاهی استوار است و از یک منطقه به منطقه ديگر متفاوت است. برخی از نوشته های کوتاه تشریحی این گروه که از اعتبار بیشتری برخوردار است به زبان اسپانيولي است که توسط لیدیا کابرا مکتوب شده است. از آن جمله می توان به ال مونته (۱۹۵۴) اشاره کرد .



۹ گناه شیطان

۱- **حماقت** بزرگ ترین گناه آیین شیطان پرستی است. حماقت بد است. ولی زیاد دردناک نیست. نادانی یک چیز است ولی جامعه ما به سمت حماقت پیش می رود. این بستگی به رفتار مردم دارد. رسانه ها باید جلوی حماقت را بگیرند. شیطان پرست باید با تیزهوشی حيله ها را بفهمد و اینکه نمی توان جلوی احمق را گرفت.

۲- **منیت** یکی از خطرناک ترین چیزها برای شیطان پرست منیت اوست. بعضی منتظرند مردم به آنها تعظیم کرده و احترام بگذارند.

۳- **خودنمایی** انسان نباید خودنمایی کند، زیرا همه چیز ساخته ی ذهن اوست.

۴- **خودفریبی** این گناه یکی از گناهان نه گانه است، ولی باید مکررا تکرار گردد تا مبادا کسی گرفتار آنان شود و خود را بفریبد.

۵- **همرنگ جماعت شدن** شاید هم‌رنگ جماعت شدن برای شما سود آور باشد، ولی فقط یک انسان احمق از جماعت پیروی می کند، زیرا در این صورت فاقد شخصیت وجودی است.

۶- **نداشتن بصیرت** چقدر دردآور است برای یک شیطان پرست که دارای بصیرت نباشد. شما هرگز نباید بصیرت خود را گم کنید و اینکه چه کسی هستید یا اینکه چه چیزی شما را تهدید می کند اهمیت ندارد.

۷- **فراموش کردن گذشته ی مکتب ارتدکس** باید آگاه بود که این مورد از کلیدهایی که مردم را در قبول کردن چیزهای جدید و متفاوت نگاه می دارد، در مقابل چیزهایی که یکبارہ مورد قبول واقع می شوند. اکنون یک بسته تازه داده شده است. ما باید منتظر یاوه گویی ها درباره ی نبوغ خالق خود باشیم و اصل را فراموش نکنیم که این سازه ای برای استفاده شدن در جامعه است.

۸- **غرور بی جا**

۹- **نداشتن زیبایی** این قوت طبیعی عامل توازن است. زیبایی در جادوگری کمتر اهمیت دارد ولی باید بیشتر به آن اهمیت دهیم. در این زمان بیشتر زیبایی ها دل سرد کننده است.

۹ قانون شیطان

۱- شیطان نماینده زیاده روی به جای پرهیز.

۲- شیطان نماینده زندگی دنیوی به جای نقشه خیالی و موهومی روحانی.

۳- شیطان بیانگر استفاده از حکمت و عقل به جای ریاکاری و تزویر که خود نیرنگی بیش نیست.

۴- شیطان بیانگر محبت کردن به کسانی که لیاقت آن را دارند به جای عشق ورزیدن به نمک شناسان.

۵- شیطان بیانگر انتقام گرفتن به جای برگرداندن صورت.

۶- شیطان بیانگر برتری و واگذار کردن مسئولیت به مسئولش است تا افکار پلید در کنار خون آشامی.

۷- شیطان بیانگر همانندی انسان و حیوان است، گاهی بهتر، ولی اغلب بدتر از آن هایی که روی چهار پا راه می روند. به دلیل آنکه انسان دارای خدای روحانی است و پیشرفت های روشن فکرانه او را پست ترین حیوانات ساخته است.

۸- شیطان بیانگر این است که همه گناهان مشهور چیزی نیستند جزء دگرگونی از حالت بی عقلی به صورت طبیعی ذهن یا تبدیل احساسات از بدی به خوشی.

۹- شیطان بهترین دوست کلیسا است، چرا که کارهای او دلیل ماندگاری کلیسا در تمام این سالهاست.

مجموعه ای از انتشارات رُز
ترجمه حنیف اُورسجی



CHOOB MINISTRY